

## اینجا چین است!

فواد عبداللهی

همه میدانند که کشور چین يك غول بلامنازع سرمایه و تولید ثروت در دوران حاضر است. جنون و وسوسه تولید و سود بر شانه های میلیونی کارگر ارزان و نیروی کار مفتی که در اسارت سیستماتیک طبقه حاکمه در این کشور قرار گرفته جزو بدیهیات ابژکتیو سیاسی در دنیای امروز است.

اعتصاب در چین غیر قانونی است و با سرکوب و زندان و حمله پلیس و آجودان و کل دستگاه دولت جواب می گیرد. سیصد روز از بازداشت "گوچون" ۴۱ ساله در شانژن میگذرد. وی به اتهام سازماندهی اعتصاب کارگران و "اخلال" در نظم عمومی دستگیر شده است. در ماه مه سال گذشته شرکت مبلناسازی "دیوبکسن" نقل مکان می کند و کارفرما از پرداخت غرامت به صدها کارگر سر باز می زند. گوچون که بعنوان نماینده کارگران این شرکت انتخاب شده بود وظیفه خود میداند که کارگران را جهت یک راهپیمایی گسترده به سمت مرکز شهر سازمان دهد. چند روز پیش در همبستگی و حمایت از وی، صدها نفر از دوستان، همکاران و هم طبقه ای ها اش در مقابل دادگاهی که قرار است به همین دلیل محاکمه اش کند دست به تجمع اعتراضی زدند و اعلام داشتند که اگر اثری از عدالت وجود داشته باشد گوچون نباید محاکمه شود.

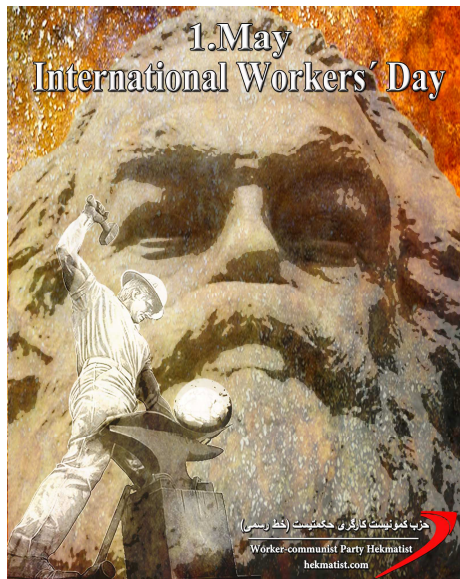
۲۷ مارس، شهر "دونگان" شاهد اعتصاب هزاران کارگر شرکت سامسونگ در اعتراض به سطح پایین دستمزد و در جهت افزایش آن بود. اوایل ماه مارس امسال هزاران کارگر شرکت IBM در شهر شانژن به مدت ده

صفحه ۴

## زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

صفحه ۲



## برای آزادی شاهرخ زمانی

شاهرخ زمانی، عضو شورای نمایندگان "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" و عضو هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیین ساختمان، بیش از دو سال است که به جرم فعالیت کارگری دستگیر شده است. جمهوری اسلامی با ترتیب دادن دادگاهی نمایشی شاهرخ زمانی را به اتهام تشکیل گروه های مخالف نظام و فعالیت تبلیغی علیه نظام به یازده سال حبس تعزیری محکوم کرد. در دوسال گذشته به بهانه های مختلف شاهرخ زمانی را هر روز روانه زندانی (زندان های یزد، تبریز، گوهردشت و زندان قزل حصار) کرده اند. شاهرخ زمانی در اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب غذا زده است. امروز بیش از یکماه از اعتصاب غذای شاهرخ زمانی میگذرد و وی در وضعیت جسمی نامناسبی به سر میبرد.

در طول سی و چند سال حیات جمهوری اسلامی تلاش طبقه کارگر برای احقاق حقوق صنفی و سیاسی کارگران همیشه با سرکوب و زندان و شکنجه جواب گرفته است. در همین راستا طیفی وسیع از فعالین کارگری برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق خود از دستمزد عادلانه تا حق تشکل و اعتصاب و آزادی های سیاسی، ضمن اخراج از کار و گرو گرفتن نان خانواده آنها، با اتهام ضدیت با نظام روانه زندان شده اند.

صفحه ۴

# کارگران جهان متحد شوید

## زنده باد اول مه

## زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

## رفقای کارگر

اول مه در راه است، روز جشن و همبستگی طبقاتی ما در سرتاسر جهان به عنوان یک طبقه، در جدال علیه ستم و استثمار، روز اتحاد ما برای آزادی میلیونها انسان رنج دیده از استثمار، فقر، گرسنگی و تحقیر هر روزه، روز همبستگی جهانی ما علیه حاکمیت سرمایه!

جدالی تاریخی به قدمت عمر طبقه ما، جدال میان دو دنیای متضاد، دنیای سرمایه و دنیای کار، هنوز در جریان است و سیمای اصلی جهان امروز را در سراسر کره خاکی ساخته است! دنیای استثمار، بردگی، بی حقوقی، تحقیر و بی حرمتی به شخصیت، حرمت و کرامت طبقه ما و همه ستمدیدگان و جنگ و فقر، سهم ما است و دنیای برادری، برابری، آزادی، رفاه و سعادت بشری، دنیایی فارغ از استثمار و بردگی، حق بی چون و چرا و اولیه ما! در دو سوی دنیای واقعی که به ما تحمیل شده است و دنیایی که همه ما میدانیم حق ما است، جدالی دائمی بر سر تحمیل فقر و محرومیت هر روز فزاینده به طبقه ما، و تلاش برای برخورداری از یک زندگی انسانی و آزاد برای ما و فرزندانمان، در جریان است!

بورژوازی نه فقط با تحمیل فقر و تعرض به سطح معیشت خانواده های ما در سرتاسر جهان بار بحرانهای اقتصادی خود را به دوش ما میاندازد، بلکه برای حل تناقضات درونی خود نیز با زدن مهر کاذب ملی، قومی، نژادی و مذهبی به هویت بخشی از هم طبقه ای هایمان، تلاش میکند که ما را در مقابل هم قرار دهد. تلاش میکند منافع خود را به نام کشور و "وطن" و "ملت" و سرزمین واحد، به نام منافع همه آحاد جامعه قلمداد کند و هم بخشی از طبقه ای های ما را به سرباز تامین منافع خود تبدیل کند. بورژوازی تلاش میکند از دل هر بحران سیاسی و اقتصادی متحدتر و مقتدرتر و طبقه کارگر را ضعیفتر و پراکنده تر وارد دور بعدی جدال کند.

در هیچ دوره ای میزان محرومیت انسان از نعماتی که خود ساخته است، به اندازه امروز وسیع نبوده است. هیچ زمانی دامنه تعرض و توحش بورژوازی علیه طبقه کارگر به اندازه امروز گسترده نبوده است. در عین حال هیچ

دوره ای تا این حد چهره کریه سرمایه از نوع دولتی تا لیبرال و بازار آزادی، با هر نوع روبنای سیاسی از اسلامی تا دمکراسی غربی آن، افشا شده و بی اعتبار نبوده است. امروز "لیبرال ترین" و "دمکرات ترین" دولتهای بورژوازی، از راست ترین جناحهای بورژوازی در اوائل قرن، علیه طبقه کارگر و بخش اعظم مردم همه جوامع بشری، مستبد تر، بی رحم تر، متوحش تر و ضد انسانی تر اند.

هم زمان هیچ دوره ای به اندازه قرن ما، دنیا بطور عینی آماده برقراری جامعه ای برابر و مرفه نبوده است. سرمایه های عظیمی که طبقه ما در دنیا ساخته است، امکانات وسیعی که برای دسترسی به همه نیازهای مادی و

معنوی میلیاردها انسان که تولید کرده ایم، میتواند مرفه ترین زندگی و بیشترین سعادت را برای همه انسانها تامین کند. میتواند جامعه جهانی را برای زندگی انسان به بهشتی واقعی بر روی زمین تبدیل کند. کلید این تحول انسانی در دست طبقه ما است. دنیا بطور عینی و مادی سالهاست آماده انقلابی سوسیالیستی است. این طبقه کارگر است که هنوز در ابعاد وسیع و توده ای، آماده چنین تحولی نیست. این طبقه ما است که توسط بورژوازی علاوه بر کاستن سهمش از رفاه و

تولیدات جامعه، توسط آرا و عقاید بورژوازی، توسط آرا و عقاید دشمنان خود، گرفتار است. بورژوازی علاوه بر پلیس و زندان و ترور، با استفاده از میدیای مافیایی و انحصاری، با اتکا به امپراطوری رسانه های بزرگ نوکر خود، امپراطوری که با ثروت تولیدی ما ساخته شده است، و با توسل به مغزشویی دستگاههای تولید مذهب و خرافه، با استفاده از فقر و محرومیت، و با دمیدن در باد انواع هویت های قومی و ملی و مذهبی توانسته است افکار ارتجاعی خود را در طبقه ما، هر روز تولید و بازتولید کند. و ممکن بودن انقلاب کارگری و جامعه سوسیالیستی را، از ذهنیت بخش عظیمی از طبقه ما، دور کند.

بورژوازی در سراسر جهان علاوه بر زندان و اعدام و تهدید و ترور و اخراج رهبران و فعالین هوشیار طبقه ما از کار، تلاش وسیعی میکند که واقعیت منافع مستقل طبقه کارگر، همسرنوشتی انترناسیونالیستی کارگران و منافع متضاد این طبقه با بورژوازی، را پرده پوشی کند. تلاش کرده است پایان دادن به

## رفقا!

امروز بورژوازی ایران و دولت "اعتدال" روحانی اش به کمک صف وسیعی از تحصیل کردگان روشفکران بورژوا و احزاب و جریانات بورژوازی و ضد کارگری، با امکانات وسیعی که در اختیار دارند، تلاش میکنند منافع بورژوازی ایران و باز شدن فضای تحرک سیاسی برای بورژوازی، و فراهم کردن شرایط بهتر سودآوری سرمایه به قیمت تباهی کامل طبقه کارگر، را بهبود زندگی ما نام بگذارند.

بورژوازی ایران و حکومت اش در قدرت، تلاش میکند که این پروژه دیرینه بورژوازی ایران را که از آن بوی خون و جنون ثروت اندوزی اقلیتی مفت خور می آید، پروژه ای که در دل آن از همین امروز میتوان پژواک خرد شدن استخوانهای خانواده میلیونی طبقه کارگر ایران را زیر فشار کار و بیکاری و فقر شنید، به نام "بهبود" در زندگی ما به ذهنیت طبقه کارگر تبدیل کند. و سکوت و خاموشی نیروی کار را با تحمیل این صف تضمین کند.

تلاش میکنند با حيله و ریاکاری بر ناآگاهی صفوف ما سرمایه گذاری کنند و طبقه کارگر ایران را به نام دفاع از سرمایه "ملی"، تولید داخلی و رشد اقتصادی، در پشت اهداف و برنامه های بورژوازی ایران بسیج کنند. همزمان تلاش میکنند افق انقلاب کارگری و امید به راهی بشریت و پایان دادن به توحش سرمایه را در ذهن طبقه کارگر کور کنند. و برای این کار علاوه بر زندان و گرو گرفتن

# آزادی برابری حکومت کارگری

## رفقای کارگر، کارگران کمونیست!

طبقه کارگر برای رهایی خود هیچ راهی جز متحد شدن و به میدان آمدن علیه حاکمیت سرمایه و تعیین تکلیف قطعی با قدرت سیاسی و دولت بورژوازی حاکم را با اتکا به نیروی خود، ندارد. هیچ راه میان بری موجود نیست و این تنها راه برای پایان دادن به مشقاتی است که به ما تحمیل کرده اند و تنها راه برای پایان دادن به بردگی مزدی و ساختن دنیایی آزاد و برابر است. پیش قرولان چنین تحولی، کمونیستهای طبقه کارگر، رهبران کمونیست این طبقه، سازماندهندگان و آژیتاتورهای این طبقه اند که با اتحاد خود و با نقشه روشن، طبقه کارگر را حول افقی کارگری و سوسیالیستی متحد میکنند. طبقه کارگر تنها با افق سیاسی روشن کمونیستی، با پرچم کمونیسم و حزب کمونیستی خود میتواند چنین تحولی را ممکن کند و دنیا را از بربریت حاکم نجات دهد.

زنده باد اول روز همبستگی طبقه کارگر  
زنده باد انقلاب کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
(خط رسمی)

۲۲ فروردین ۱۳۹۳ - ۱۱ آوریل ۲۰۱۴

طبقه کارگر ایران با همه موانع و مشکلاتی که بورژوازی به آن تحمیل کرده است، یکی از قوی ترین گردانهای اصلی طبقه کارگر جهانی است. پرولتاریای صنعتی ایران نیروی عظیمی است که کل بورژوازی ایران با همه جناحها و احزاب رنگارنگ آن چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، به قدرت آن واقفند. اگر روزی کارگر صنعتی ایران متحد به میدان آید، اگر یکی از اول مه های هر ساله شاهد جشن و همبستگی وسیع کارگری و اعلام همسرنوشتی انترناسیونالیستی در مراکز بزرگ صنعتی باشیم و اگر پرولتاریای صنعتی ایران این غول خفته تکانی بخورد، گامها در جهت اتحاد طبقاتی خود پیش رفته و گامها انقلاب کارگری را نزدیک کرده ایم.

اول ماه مه در ایران همچون تمام کشورهای جهان روز جشن و همبستگی کارگری ما به عنوان یک طبقه و با یک منفعت واحد، علیه حاکمیت سرمایه در سراسر جهان است. اگر کارگر صنعتی تکانی بخورد و علیه توحش افسار گسیخته بورژوازی صدای اعتراض خود را بلند کند، سرها به طرف طبقه ما به عنوان رهبر سرسخت انقلاب برخواهد گشت! تبلیغات وسیع رسانه های فاسد بورژوازی در تخطئه انقلاب کارگری، نه تنها در ایران بلکه در قلب اروپا رنگ میبازد! و شیپور انقلاب کارگری صدها بار قوی تر از انقلاب اکتبر به صدا در می آیند.

زندگی، علاوه بر مذهب و خرافه و رسانه، انواع و اقسام مشاورین و متفکرین بومی و بین المللی، از صندوق بین المللی پول تا اقتصاد خوانده های دانشگاهی و دگراندیشان دستگاهی داخل کشور و متخصصین ساکت نگاه داشتن طبقه کارگر، مشغول نواختن یک سمفونی یک دست و سیاه برای طبقه کارگر اند.

بعلاوه جمهوری اسلامی برای کنترل اعتراضات کارگری و کانالیزه کردن آنها در چهارچوب منافع سرمایه، از ابزارهای همیشگی خود در میان کارگران هم استفاده میکند. خانه کارگر، شوراهای اسلامی، کانون عالی انجمنهای صنفی و نهادهای دست ساز خود برای کارگران، را با غرولندهای ریاکارانه و به نام "دلسوزی" برای کارگران و به نام نماینده اعتراض کارگر، جلو می اندازند. برنامه های هر ساله آنها در اول مه به نام هفته کارگر بخشی از نقشه دولت حاکم برای گمراه کردن هم طبقه ای های ما و ممانعت از اتحاد ما و منحرف کردن اعتراض طبقه کارگر است. تنها با اتکا به چنین سناریوهایی است که ادامه حاکمیت سرمایه و بردگی طبقه ما ممکن است. اینها ابزارهای اصلی در خاموش نگاه داشتن و ساکت کردن، متفرق کردن و به تمکین کشاندن طبقه ما است.

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه فائمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول مذهب میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و پیشه بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت فلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و پیشه گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

زنده باد انقلاب کارگری

## اینجا چین

روز دست به اعتصاب و مارش زدند و خواستار افزایش سطح دستمزدها شدند. این مطالبه به سرعت حمایت کارگران LENOVO را به همراه داشت. همزمان کارگران کارخانه های پبسی در چند شهرستان و در یک حرکت هماهنگ در برابر اخراجهای وسیع و مزایای کاهش یافته دست به اعتصاب زدند. بنا به گزارشی که در "بولتن کارگری چین" منتشر شده، نبض این اعتصابات در دست مجامع عمومی کارگران و سازمان های محلی است که به طور فعال روزانه منافع کارگران را برجسته میکنند. در حقیقت اکثریت قریب به اتفاق این اعتصابات توسط رهبران و فعالین کارگری در محل سازماندهی می شوند که در میان احزاب دسته چپی و مردم مناطق جنوبی "گواندونگ" از بیشترین حمایت ها برخوردارند. آنها به طور فزاینده ای در هدایت کارگران از طریق اقدامات جمعی و تشویق کارگران به انتخاب نمایندگان واقعی خود در معامله با کارفرما بجای تکیه بر اتحادیه های دولتی به طور مستقیم، نقش دارند و بر اهمیت این نکته متمرکز شده اند. بنا به این گزارش، در طول سه سال گذشته تا الان این احساس استقلال از نهادهای دولتی و حفظ همبستگی طبقاتی تنها حربه استراتژیک کارگران در مبارزه و چانه زنی با کارفرما بوده است. جالب اینکه یکسال گذشته از زمانی که مونتوم تحرکات و اعتصابات کارگری بالا گرفته است فدراسیون اتحادیه های کارگری دولت چین که منافع صاحبان سرمایه و کارخانه داران را نمایندگی میکند یک لحظه هم از پروکاسیون، جاسوسی در میان کارگران و اعتصاب شکنی دست برد نداشته است.

مواردی که ذکر شد تنها گوشه ناچیزی از تحرکات کارگری طی دو ماه پیش در شهرهای صنعتی چین بوده است. این شکل از مبارزات و بسیاری دیگر مشابه آنها، قدرت چانه زنی کارگران در مقابل کارفرماها را افزایش داده است و در حال حاضر پیشبینی می شود که روند مبارزه برای افزایش سطح دستمزد غیر قابل توقف است. سبک مبارزه کارگران در چین به قول نشریه اکونومیست "میتواند آچار مویی از اعتصابات را به کارگاه جهان پرتاب کند."

بیش از یک قرن پیش، مشابه آنچه انگلستان در حماسه خود تحت عنوان "شرایط طبقه کارگر در انگلستان" مستند ساخت، بطرز آشکاری امروز به طبقه کارگر چین تحمیل شده است. رشد و شکوفایی سرمایه داری در قرن حاضر غیر قابل مقایسه با سرمایه داری عهد ویکتوریا در انگلستان است که مارکس و انگلستان خود را صرف تجزیه و تحلیل آن کردند. "هانت" مورخ، در شرح حالی که از انگلستان بدست میدهد بطور موزنی با عبور از "شرایط طبقه کارگر در انگلستان" به وضعیت امروز طبقه کارگر در چین می رسد. این "شرایط" غیر قابل تشخیص از

## برای آزادی

امروز هم جمهوری اسلامی در دوره گشایش سیاسی اقتصادی برای بورژوازی، ذره ای از فشار به طبقه کارگر و فعالین آن کم نکرده است. امروز هم بهشت سرمایه در ایران، جهنم کارگران است.

علیرغم اعتصاب غذای شاهرخ زمانی "مراجع بین المللی" که با هر سرفه و عطسه سران سبز به نقض حقوق بشر اعتراض میکردند، حتی نامی از شاهرخ زمانی نبرده و فشاری به جمهوری اسلامی برای رسیدگی به وضعیت بحرانی او نیاورده اند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ضمن حمایت از تمام تلاشهایی که برای آزادی شاهرخ زمانی و همه فعالین کارگری شده است، با پشتیبانی از کمیته حمایت از شاهرخ زمانی و بیانیه کمپین بین المللی دفاع از حقوق کارگران- داحک، که تا کنون به امضای ۵۵۰ نفر رسیده است، به سهم خود برای جلب حمایت سازمانهای کارگری، رادیکال و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی، برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی و به منظور آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری و آزادی فوری شاهرخ زمانی تلاش خواهد کرد.

شاهرخ زمانی اولین کارگری نیست که به جرم فعالیت برای حقوق صنفی و سیاسی کارگران زندانی و شکنجه می شود اما باید آخرین فعال و شخصیت کارگری باشد که جمهوری اسلامی اجازه دست درازی به زندگی و آزادی او دارد.

شاهرخ زمانی آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی برابری، حکومت کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست  
کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۹ آوریل ۲۰۱۴

نشریه حزب حکمتیست

سر دبیر آذر مدرسی

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

www.hekmatist.com

حکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.

حکمتیست را بفانید و آنرا وسیعاً توزیع

کنید.

یکدیگر اند و داستان همان است که در بخشهایی مربوط به کاپیتال مارکس نگاشته شده است: ۱۲ ساعت کار در روز؛ اضافه کاری گاهی اوقات به مدت ۴۰ ساعت؛ "حوادث" و نقص عضو ناشی از سرعت کار بدلیل تامین ناکافی نیازهای انسان؛ فقدان زمان استراحت برای وعده های غذایی؛ دستمزد کم؛ خستگی و فلج جسمی و در نهایت قربانی سود سرمایه.

و کارگر در این میان چیزی نیست جز کار بیشتر و بیشتر و دریافت کمتر و کمتر. این آن قانونی است که از دهه هشتاد و با آغاز موج سرمایه گذاری ها در چین حکم رانده است و امروز به عنوان یک معجزه و الگوی اقتصادی "کارآمد"، در اردوی غرب مورد بحث و ستایش قرار گرفته است. سرمایه نیروی کار مرده است، میتواند مانند خون آشام تنها با مکیدن خون زندگی کند. لذا سایه شوم شلاق سودآوری اش بر کرده طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است. اما این یک سوی ماجرا است. سوی دیگر این جدال، شبح مبارزه و مقاومت طبقه کارگر علیه سرمایه است. این جایی است که مارکس استدلال میکند که بورژوازی با تمرکز جمعیت کارگران در محیط کار، در واقع به فرم و محتوای اجتماعی "طبقه" شکل می دهد، و در عین حال نیروی اجتماعی نابودی خویش را نیز تولید میکند. طبقه حاکم در چین بخوبی می داند که بارقه های یک جنبش سوسیالیستی کارگری قابل مشاهده است و جنبش کارگری این کشور میتواند سر آغاز جهشی به شورش های اجتماعی و لوکومتیو تاریخ باشد. طبقه ای که از لحاظ سیاسی به منافع خویش آگاه شده باشد میتواند علیه سرمایه بشورد و ابتکار عمل را از دست بورژوازی درآورد.

تحولات و تحرکات کارگری در چین، پیشروی ها و پس روی های این طبقه، نقشی مهم و پر رنگ بر اقتصاد و سیاست جهان امروز دارد. نقشه عملکرد سرمایه و تقسیم کار در حوزه کار ارزان، بخش قابل توجهی از تولیدات صنعتی و الکترونیکی را به این کشور کوچ داده است. قیمت نازل تولید چینی و تنوع آن در بازارهای جهان چنان خیره کننده است که شرایط طبقه کارگر در چین به هر سمتی تغییر کند مستقیماً بر زندگی و نیازمندی های کارگران جهان تاثیر می گذارد. هر اندازه تشکل، مقاومت و سازماندهی اعتصاب و آگاهی در صفوف طبقه کارگر چین افزایش یابد به همان نسبت عروج کمونیسم و جنبش کارگری در سطح جهان و قدرت دخالت در تحولات پیش رو مهیا می گردد.